

[تاریخ زیدیه](#)

کسانی که قائل به امامت حسین بن علی شدند ، پس از او پسرش علی بن حسین یعنی زین العابدین را امام دانستند...

زیدیه:

کسانی که قائل به امامت حسین بن علی شدند ، پس از او پسرش علی بن حسین یعنی زین العابدین را امام دانستند و پس از رحلت او شیعیان حسنی و حسینی درباره جانشین وی اختلاف کردند . زیدیه گفتند که پس از علی بن حسین پسرش زیر امام است .

زید بن علی شاگرد و اصل بن عطاء غزال پیشوای معتزله است ، از این جهت زیدیه پس از وی پیرو اهل اعتزال شدند . زیدیه قائل به لعن ابوبکر و عمر و عثمان نیستند ، و امامت مفضول را با وجود فاضل جایز می دانند . شیعیان کوفه چون او را مخالف لعن شیخین دیدند ، وی را ترک کردند. از این جهت معروف به راه فضه گشتند که به معنی ترک کننده است. میان زید و برادرش امام محمد باقر اختلاف بود .

محمد بن عبدالکریم شهرستانی درباره ی علت اختلاف بین زید و برادرش امام محمد باقرمی نویسد که زید از جهت آنکه شاگرد و اصل بن عطا بود مذهب اعتزال داشت و قدری مذهب بود و شرط امامت را قیام و خروج به شمشیر می دانست . حتی روزی گستاخانه به برادر گفت که پدر ما امام نبود ، زیرا هرگز خروج نکرد و شمشیر در راه دین نکشید [1].

زید بن علی در زمان هشام بن عبدالملک خلیفه اموی در سال 122هـ بر عامل او یوسف بن عمر ثقفی فرمانروای کوفه خروج کرد ، و در آن واقعه کشته شد. سر وی را به ترد هشام فرستادند و تن او را عریان بر دار نمودند. یکی از شاعران بنی امیه درباره ی او گفته:

صلبنا لکم زیراً علی جزع نخله و لم نر مهدیاً علی الجزع یصلب

یعنی : زید را برای شما به تنه ی درخت خرما بردار کردیم و ما هرگز هیچ مهدی را ندیده ایم که بر تنه ی درخت بردار کرده باشند.

سپس پیکرش را سوزانیده و خاکستر او را به رود فرات ریختند . پس از وی پسرش یحیی بن زید به خراسان گریخت و در ناحیه جوزجان بر نصر بن سیار فرمانروای خراسان به جمگ بیرون شد (125هـ) نصر ، سلم بن احوزمازی را به نبرد او فرستاد و وی را بکشت. سر او را به ترد ولید بن عبد الملک فرستاد و جسدش تا قیام ابو مسلم همچنان بردار بود ، و وی آنرا از دار پایین آورد به خاک سپرد . مشهد او به جوزجان میان مرو رود و بلخ زیارتگاه است.

زیدیه امام را از اولاد علی دانند . خواه از فرزندان حسن و یا حسین باشد دیگر اینکه قائم به شمشیر و قادر بر دفاع باشد . از این جهت امامت کودکان را نمی پذیرند. عصمت را در امامت شرط نمی دانند و وجود بیش از یک امام را در زمان واحد جایز ندانند و قائل به رجعت نیستند . زید از شیوخ ابو حنیفه بود و ابوحنیفه با او بیعت کرد و سی هزار درهم برای او بفرستاد و مردم را به یاری او برانگیخت . مقریزی در کتاب الخطط خود مفصلاً به ترجمه ی حال او پرداخته است. این فرقه از دیگر فرق شیعه به مذهب تسنن نزدیکترند . ادارسه یا ادیسیان که سر سلسله ی آنان ادیس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بود و از 112 تا 375 بر مراکش و آفریقای شمالی حکومت می کرد اولین دولت مستقل شیعه علوی در اسلام بشمار می رود ، و نیز دولت ائمه رسی در سعاد یمن (280 تا حدود 700هـ) ، و علویان طبرستان (250-316هـ) از زیدیه بودند [2] مردم یمن زیدی مذهب اند و تا پیش از جمهوریت امام ایشان در شهر صنعاء می زیست. چند سال پیش مجمع علمی میلا نو کتابی در فقه به نام raquo&مجموع فی الفقه raquo& به روایت ابو خالد واسطی از زید بن علی منتشر کرد که اگر نسبت آن کتاب به واسطی درست باشد ، این کتاب اولین کتاب فقه اسلامی می باشد که به دست ما رسیده است[3]

فرق زیدیه :

فرقه های زیدیه که در کتاب های فرق اسلامی آمده از این قرار است:

1- بتریه یا ابتریه که ایشان را صالحیه نیز می خوانند، پیروان حسن ابن صالح بی حی و کثیر النواءشاعر معروفند که او را ابتر لقب داده بودند .

2- ابرقیه [4]

3-ادریسیه : پیروان ادیس بن عبدالله بن حسن بن علی بن ابیطالب مؤسس دولت ادارسه در مغرب اند ، و او را برادرش محمد بن عبدالله به این ناحیه فرستاد ، و در سال 177هـ به دست سلیمان بن جریر جذری به امر هارون ارشید مسموم گشت . [5]

4- جارودیه یا سلیمانیه پیروان ابوالجارود یا ابو النجم، زیاد بن منذر عبدی
 5- جریریه یا سلیمانیه پیروان سلیمان بن جریر رقی که از متکلمان زیدیه بشمار می رفت هستند.
 6- حسینیّه پیروان حسن بن زید بن الحسن بن علی که در سال 250هـ در طبرستان خروج کرد و بر سلیمانیان بن عبدالمکمل بن طاهر فرمانروای آن ناحیه غلبه کرد و جرجان را بگرفت، و پس از او برادرش محمد بن زید جانشین وی شد. [6]
 7- حسینیّه: حسینیّه که ائمه را به این ترتیب می شمردند: علی بن ابیطالب، حسین بن علی، زید بن علی بن حسین، یحیی بن زید، عیسی بن زید، محمد بن عبدالله بن حسن و بعد از محمد هرکس از آل رسول که مردم را به اطاعت خدا بخواند.
 8- حسینیّه، پیروان حسین بن علی بن حسن بن الحسن بن معروف به صاحب الفخ که در جایی بنام فخ در شش میلی مکه خروج کرد، و به دست عیسی بن موسی با طرفدارانش کشته شد.
 9- خشبیّه یا سر خابیه پیروان سرخاب طبری از فرقه زیدیه که پس از مختار بن ابی عبید ثقفی خروج کردند، و چون سلامی جز خشب (چوب) نداشتند از این جهت آنان را خشبیّه گفتند. [7]
 10- خلیفه از فرق زیدیه که از یاران خلف بن عبد الصمد بودند [8]
 11- دو کینیّه از فرق زیدیه که از یاران فضل بن دو کین بودند. [9]
 12- ذکیریّه از فرق زیدیه که از یاران فضل بن دوکین بودند. [10]
 13- صّاحیّه از فرق زیدیه بودند که ابوبکر را امام می دانستند و می گفتند که علی با اینکه افضل است نهی بر خلافت او نیست [11]
 14- صّاحیّه از یاران صباح المزنی که از ابوبکر و عمر بیزاری جسته و به رجعت اعتقاد داشتند. [12]
 15- عجلیه: از فرق زیدیه یاران هارون بن سعید عجلی
 16- قاسمیّه: از فرق زیدیه که پیرو قاسم بن ابراهیم بن طباطبا الرّسی (در گذشته در 264 هـ) بودند.
 17- مرثیه از فرقه زیدیه
 18- نعیمیّه از فرقه زیدیه که پیرو نعیم بن یمان بودند.
 19- یعقوبیه پیروان یعقوب بن عدی کوفی بودند و رجعت را انکار می کردند. ولی از کسانی که به آن باور نداشتند تبری نمی جستند و از ابوبکر و عمر روی گردان نبودند.
 تاریخ پیدایش زیدیه و عقاید زید بن علی

تاریخ پیدایش زیدیه، به قرن دوم هجری باز میگردد. آنان پس از شهادت امام حسین، زید شهید، فرزند امام زین العابدین را امام می دانند، و امام زین العابدین را تنها پیشوای علم و معرفت می شمارند؛ نه امام به معنی رهبر سیاسی و زمامدار اسلامی؛ زیرا - چنان که شرح آن خواهد آمد - یکی از شرایط امام از نظر آنان، قیام مسلحانه بر ضد ستمگران است. اکثر نویسندگان زیدی، امام زین العابدین را در شمار امامان خود ندانسته و به جای او حسن مثنی، فرزند امام حسن مجتبی را امام خود می دانند؛ ZWNJ؛
 ما در چند درس با نگرشی تاریخی - تحلیلی و با رویکرد کلامی، درباره ی شخصیت و قیام و عقاید کلامی زید شهید، فرقه های زیدیه، پیشوایان سیاسی، رجال علمی، حکومت های زیدیه، روش کلامی و نمونه هایی از عقاید دینی زیدیه بحث خواهیم کرد.
 تاریخ زندگی و شخصیت زید بن علی

مورخان، در تاریخ ولادت و شهادت زید بن علی اختلاف کرده اند، از سال های ۷۵، ۷۸ و ۸۰ هجری به عنوان تاریخ ولادت، و از سال های ۱۲۰، ۱۲۱ و ۱۲۲ به عنوان سالهای شهادت او یاد شده است. ولی مشهور این است که مجموع دوران زندگی او ۴۲ سال بوده است. این مدت با دو قول در تاریخ ولادت و شهادت او هماهنگ است: یکی با (۷۸-۱۲۰) و دیگری با (۸۰-۱۲۲) و قول اخیر معروف تر است [13].
 استادان و شاگردان زید

زید قبل از هر فرد دیگر، از پدرش امام زین العابدین (ع) علم دین را آموخت، و پس از آن از برادرش امام باقر(ع) کسب دانش نمود، ولی علاوه بر آنان از افرادی چون ابان بن عثمان، عبیدالله بن ابی رافع و عروّه بن زبیر نیز کسب دانش کرده است، اما فرضیه ی علم اندوزی او از واصل بن عطا، که برخی چون احمد امین مصری و دیگران مطرح کرده اند، ثابت نشده و بعید به نظر می رسد؛ زیرا واصل از نظر سن، کوچکتر و یا با او هم سن بوده است.
 از مشاهیر شاگردان وی می توان افراد زیر را نام برد:
 ۱- منصور بن معتمر بن عبدالله سلمی کوفی (متوفای ۱۳۲ هـ. ق).
 ۲- هارون بن سعد عجلی یا جعفری کوفی که از مشایخ مسلم - صاحب صحیح معروف - بوده است.
 ۳- معاویه بن اسحاق بن زید بن حارثه ی انصاری که همراه با زید به شهادت رسید.

۴- ابوالجارود زیاد بن منذر همدانی، رئیس فرقه ی جارودیه از فرقه های زیدیه.

۵- حسن بن صالح .

۶- علی بن صالح و برادرش حسن صالح.

۷- محمد بن عبدالرحمان بن ابی لیلی. وی از اصحاب امام صادق (ع) بوده است.

۸- عمرو بن خالد واسطی، راوی مسند زید.

۹- اسماعیل بن عبدالرحمان سدی، از بزرگان علمای کوفه (متوفای سال ۱۲۷ ه. ق).

۱۰- سلیمان بن مهران اعمش، از بزرگان علمای کوفه (متوفای سال ۱۴۸ ه. ق) [14]

آثار علمی زید شهید

آثار علمی که از زید بر جای مانده و به او منسوب می باشد، عبارتند از:

۱- تفسیر غریب القرآن: چنانکه از نام آن معلوم است به تفسیر آیات مشکل قرآن پرداخته است.

۲- الصفوة: این کتاب با استناد به آیات قرآن کریم به بیان فضایل پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و برتری آنان بر دیگران پرداخته است.

۳- رساله الی علماء الامة: در این رساله خطاب به علمای امت اسلامی اهداف دعوت و قیام خود را شرح داده است.

۴- مناسک الحج: چنانکه از نام آن روشن است، درباره ی مناسک حج است.

۵- مجموعه ی فقهی و حدیثی که به «مسند امام زید» معروف است. دانشمندان زیدی نسبت این کتاب را به زید پذیرفته و بر آنند که این نخستین کتابی است که در فقه و حدیث نگارش یافته است، و برخی از آنان آن را شرح کرده اند که مفصل ترین آنها شرح قاضی شرف الدین، حسین بن احمد سیاعی یمنی (متوفای ۱۲۲۱ ه. ق) است، و «الروض النظیر فی شرح مجموع الفقه الکبیر» نام دارد.

گرچه شارح، محور کار خود را مسند امام زید قرار داده است، ولی بر اثبات مطالب آن به شیوه ی مورد قبول در فقه اهل سنت استدلال کرده است؛ یعنی به مراسیل و موقوفات صحابه، و نیز قیاس و مانند آن استناد نموده است. از این رو، به فقه اهل سنت شباهت بسیار دارد، بدین جهت شیخ محمد بخت مطیعی حنفی مصری در تقریظ خود بر کتاب نوشته است: «این کتاب در معظم احکام با مذهب امام ابوحنیفه موافق است» [15]. امامت ازدیدگاه زیدیه

زید در مسأله ی امامت عقیده های برخلاف شیعه ی اثنا عشریه نداشت، ولی فرقه ی زیدیه در مسأله ی امامت عقیده ی ویژه ای دارند؛ آنان برای امامت شرایط زیر را لازم دانسته اند:

۱- از اولاد فاطمه ی زهرا (س) باشد - خواه حسنی و خواه حسینی - زیرا پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «المهدي من ولد فاطمة».

۲- عالم به شریعت باشد تا بتواند مردم را به احکام دینی هدایت کند و موجب گمراهی آنان نشود.

۳- زاهد باشد تا به اموال مسلمانان چشم طمع ندوزد.

۴- شجاع باشد تا از جهاد با دشمنان نگریزد و سبب پیروزی آنان بر حق نگردد.

۵- آشکارا به دین خدا دعوت کند و برای یاری دین خدا قیام مسلحانه کند.

فرقه های زیدیه

مشهورترین فرقه های زیدیه عبارتند از :

۱ - جارودیه

آنان پیروان ابی جارود، زیاد بن منذر همدانی (متوفای ۱۵۰ یا ۱۶۰ ه) هستند، وی در آغاز از اصحاب امام محمد باقر و امام جعفر صادق (ع) بود. سپس به زیدیه پیوست. ابوجارود از طرف امام باقر (ع) به سرحوب ملقب گردید، [16] بدین جهت این فرقه را «سرحوبیه» نیز می نامند [17].

حضرت باقر علیه سرحوب را به شیطان نابینا که در دریا ساکن است تفسیر کرد.

ابوخالد واسطی و فضیل بن یزید رسان و منصور بن ابی الاسود نیز با ابوجارود هم عقیده بودند.

عقاید جارودیه درباره ی امام به شرح زیر است:

۱- امامت پس از امام حسین (ع) به فرزندان امام حسن و امام حسین اختصاصی دارد و دیگر فرزندان علی طبقه از آن نصیبی ندارند، و فرزندان فاطمه (ع) به در این امر شریکند و هریک از آنان که قیام کند و مردم را به بیعت با خود دعوت کند، امام خواهد بود، و در این صورت دیگران حق مخالفت با او را ندارند.

۲- امامان همگی از علم لدنی برخوردارند، لذا کوچک و بزرگ آنها دارای یک مرتبه اند، و همه ی آنان به آنچه پیامبر از جانب خدا آورده است آگاهند.

۳- علی (ع) از جانب پیامبر(ص) به امامت منصوب شده بود، البته نه به اسم، بلکه به وصف، و مسلمانان در شناخت وصف او کوتاهی کرده و با انتخاب ابوبکر به جانشینی پیامبر (ص) کافر گردیدند.[18]

۴- جارودیه درباره ی آخرین امام سه دسته شدند: گروهی از آنان محمد بن عبدالله بن الحسن بن الحسن (نفس زکیه) را آخرین امام دانستند و گفتند او نمرده است و قیام خواهد کرد، و گروهی دیگر محمد بن قاسم[19] صاحب طالقان را، و گروه سوم یحیی بن عمر فرزند یحیی بن حسین بن زید بن علی (متوفای ۲۵۰ هـ) را.[20]

۲- سلیمانیه یا جریریه

پیروان سلیمان بن جریر را گویند. عقاید وی در مسأله ی امامت به شرح زیر است:

الف: راه تعیین امام شورا است (امامت انتخابی است، نه انتصاب از جانب خدا و پیامبر).

ب: با رأی دو نفر نیز امام تعیین می شود.

ج: امامت مفضول با وجود افضل جایز است.

د: امامت ابوبکر و عمر که به انتخاب امت انجام گرفت صحیح بود، و گاهی می گفت: اگر چه امت با وجود علی در انتخاب آنان مرتکب خطا گردید، ولی چون خطای اجتهادی بود به درجه ی فسق نمی رسد.

وی عثمان را به دلیل بدعتهایی که در دین انجام داد، و عایشه و طلحه و زبیر را به سبب جنگ با حضرت علی تکفیر می کرد. همچنین عقیده ی ائمه ی شیعه را در مسأله ی تقیه و بدا به شدت ردّ می کرد.

نظریه ی وی درباره ی جواز امامت مفضول مورد قبول گروهی از متکلمان معتزلی مانند جعفر بن حرب و جعفر بن مبشر قرار گرفت. آنان گفتند در مسأله ی توحید و خداشناسی به امام نیازی نیست، ولی برای اقامه ی حدود و قضاوت در مراجعات و سرپرستی ایتم و جنگ با دشمنان و حفظ جامعه ی اسلامی به امام احتیاج است تا مسلمانان پراکنده نگردند، و در این جهت فضیلت حاکم شرط نیست، بلکه این هدف با حکومت مفضول نیز - هر چند فاضل و افضل موجود باشند - تأمین می گردد.

گروهی از اهل سنت نیز این عقیده را پذیرفتند، و حتی امامت غیر مجتهد در احکام دینی را جایز دانستند، ولی شرط کردند که مجتهدی پیوسته با او باشد و در احکام الهی وی را راهنمایی کند.[21]

۳ - صالحیه و ابتریه

صالحیه؛ پیروان حسن بن صالح بن حی و ابتریه؛ پیروان کثیرالنواء ملقب به ابتر بودند.[22] عقیده ی آنان در مسأله ی امامت این بود:

علی (ع) پس از پیامبر بر دیگران برتر، و به امر امامت سزاوارتر بود، لیکن خود او از روی میل و رغبت امامت را به دیگران تفویض کرد. و ما به آنچه علی به آن راضی گردید رضایت می دهیم.

امامت مفضول در صورتی که فاضل و افضل به آن راضی باشند جایز است.

درباره ی عثمان باید توقف کرد و سخن در مدح و ذم او نگفت، زیرا از یک طرف در زمره ی ده فردی است که به بهشت بشارت داده شده اند، و از طرف دیگر بدعتهایی را در دنیای اسلام انجام داد و روشی را برگزید که مورد رضایت صحابه نبود.

هر یک از فرزندان فاطمه پایالا که عالم و زاهد و شجاع باشد و قیام کند امام خواهد بود.[23]

سؤالی که در این جا مطرح می شود این است که زبده یکی از فرقه های شیعه اند، و لازمه ی شیعی بودن این است که در مسأله ی امامت قایل به نصّ باشند، اما دو فرقه ی سلیمانیه و صالحیه راه تعیین امام را شورا و انتخاب مردم می دانستند و این مطابق با عقیده ی اهل سنت است. در این صورت این دو فرقه از فرق شیعه به شمار نمی آیند، چنانکه شیخ طوسی در «تلخیص الشافی»؛ آنان را جزو شیعه ندانسته است.[24]

در پاسخ این سؤال برخی گفته اند: طرح این نظریه از سوی سلیمان بن جریر و دیگران صرفاً برای توجیه خلافت دو خلیفه ی نخست بوده است، بدین جهت آنان تصریح کرده اند که علی علیه از دیگران به خلافت شایسته تر بود.[25]

ولی این توجیه قانع کننده نیست، زیرا اعتقاد به نص در امامت با اعتقاد به شورا و انتخاب مردم قابل جمع نیست تا بتوان از یکی برای برخی مصالح صرف نظر کرد و دیگری را پذیرفت، آری سخن صالحیه را میتوان این گونه توجیه کرد، زیرا به گمان آنان علی لایه خود حق خلافت را به دیگران تفویض کرد و به خلافت آنان رضایت داد (گرچه حق خلافت از حقوقی نیست که قابل تفویض به دیگری باشد). وجه دیگر این است که شیعه نامیدن این گروه بدین جهت نیست که آنان در مسأله ی امامت قایل به نص بودند، بلکه بدین جهت است که آنان زمامداران اموی و عباسی را غاصب، و خلافت راحق خاندان علی (ع) از اولاد فاطمه (س) می دانستند.[26]

به گفته ی عبدالقاهر بغدادی، فرقه های سه گانه ی یاد شده درباره ی این که مرتکبان کبایر مخلد در دوزخ اند، اتفاق نظر داشتند، و در این باره با خوارج هم عقیده بودند.[27] فرقه های مزبور در تاریخ زبده دوام نیافتند و در میان متأخران زبده خبری از آنان نیست، شاید به این دلیل که هیچ یک از مؤسان این فرقه ها از امامان و پیشوایان زبده نبودند! [28]

۲- دانشمندان زبده

در پایان نام تنی چند از مشاهیر و دانشمندان زیدیه را یادآور می شویم:

۱- احمد بن عیسی بن زید (۱۵۷ - ۲۴۷ ه). کتاب وی امالی است که به نام «آب الصدع» در سه جزء به تحقیق علامه علی بن اسماعیل بن عبدالله صنعانی و توسط دارالنفائسی بیروت (۱۴۱۰ ه) چاپ شده است، و مشتمل بر ۲۷۹۰ حدیث از رسول اکرم (ص) و ائمه ی اهل بیت (ع) است.

2- القاسم بن ابراهیم الرسی (۱۶۹ - ۲۴۶ ه). وی جد یحیی بن الحسین مؤسس حکومت زیدیه در یمن است، و تألیفات بسیاری درباره ی عقاید و فقه دارد.

۳- الامام الهادی، یحیی بن الحسین (۲۴۵ - ۲۹۸ ه). مؤسس حکومت زیدیه ی یمن است. وی نیز تألیفات بسیاری در اصول و فروع دارد.

4- الناصر لحق ابومحمد الحسن بن علی (۲۳۰ - ۳۰۴ ه). مؤسس دولت زیدیه در طبرستان.

۵- ابوالقاسم محمد بن یحیی (۲۷۸ - ۳۱۳ ه). وی فرزند «الامام الهادی» و معروف به «الامام المرتضی» است. درباره ی تفسیر و فقه تألیفاتی داشته است.

۶- ابوالحسین احمد بن الحسین بن هارون (۳۳۳ - ۴۱۱). وی نخست بر مذهب امامیه بود، ولی بعداً به مذهب زیدیه گرایید. شیخ طوسی علت اعراض او از مذهب امامیه را این دانسته است که وی درک و تصویر درستی از روایات مختلف درباره ی فروع دین نداشت، ولی باید دانست که اختلاف در فروع باعث نمی شود که انسان آنچه را درباره ی اصول با دلیل ثابت شده است رها کند. [29]

۷- محسن بن محمد بن کرامه معروف به «الحاکم الحیثی» (۴۹۴ - ۴۱۳ ه). از اساتید زمخشری است. فهرست آثار او را ۴۲ کتاب شمرده اند.

۸- ابو سعید نشوان حمیدی (متوفای ۵۷۳ ه) از نوادر عصر خود در لغت و نحو و تاریخ بود. از وی آثاری به طبع رسیده است. از آن جمله است رساله ی «الحوالین و تنبیه السامحین».

۹- عبدالله بن حمزة بن سلیمان از نوادگان حسن مثنی (۵۶۱ - ۶۱۴ ه) در اصول فقه، فقه، کلام، حدیث و ادب تألیفات بسیاری داشته است.

۱۰- المؤید بالله، یحیی بن حمزة بن علی از نوادگان امام جوادپایه (۶۶۹ - ۷۴۹ ه) در علم کلام و بلاغت از معاریف عصر خود بوده است. از آثار مطبوع او کتاب «الطراز» در فن فصاحت و بلاغت و اعجاز قرآن کریم است. کتاب «الانتصار» او در فقه نیز از مهمترین منابع ابن المرتضی در کتاب «البحر الزخار» است.

۱۱- احمد بن یحیی بن المرتضی (۷۶۴ - ۸۴۵ ه) مؤلف کتاب «البحر الزخار». وی از برجسته ترین دانشمندان زیدی در فقه و اصول است و در زمینه های مختلف علوم اسلامی - اعم از عقلی و نقلی - دارای تألیف است؛ از آثار معروف او می توان کتابهای زیر را نام برد:

الف: البحر الزخار الجامع لمذاهب اهل الامصار.

ب: کتاب الازهار فی فقه الاثمة الاطهار، این کتاب نزد علمای زیدیه مانند کتاب عروة الوثقی نزد علمای امامیه است.

ج: طبقات المعتزلة. مطالعه ی این کتاب نشان می دهد که مؤلف، جز در مسأله ی امامت، کاملاً با عقاید معتزله هماهنگ است.

۱۲- المنصور بالله قاسم بن محمد (متوفای ۱۰۲۹ ه) برخی از تألیفات او عبارتند از:

الف: الاعتصام بحبل الله المتین، در فقه.

ب: المرقاة در اصول فقه. ج: الاساس لعقاید الاکیاس، در اصول دین. بر کتاب اخیر شروخی نوشته شده است. [30]

اصول اعتقادی مذهب زیدیه

پیش درآمد

دیدگاه زیدیه در اصول دین تفاوت چندانی با دیگر عدلیه ندارد. آنان پس از اعتقاد به حسن و قبح عقلی، همچون دیگر شیعیان به دو اصلی توحید و عدل به عنوان اساسی ترین اصول اعتقادی می نگرند و بر اساس آن هرگونه تشبیه و تجسیم را نفی کرده و خدا را عادل می دانند که بر اساسی مصالح و مفاسد حکم کرده، پاداش می دهد و مجازات می کند. آنها همچنین به اختیار انسان در افعال معتقدند و جبر را رد می کنند و بر خلاف مرجئه برآنند که خداوند به وعده و وعیدهای خود عمل خواهد کرد و همچون معتزله در مورد مرتکب کبیره به جایگاه بین دو جایگاه «المنزلة بین المنزلتين» اعتقاد دارند و مرتکب کبیره را در رتبه های میان مؤمن و کافر قرار اصول دین مبین اسلام باور دارند. آنان به اصل نبوت و امامت نیز به عنوان

اصول اساسی دین مینگرند و در خصوصی امامت دیدگاه های ویژه ای دارند.

تاریخ پیدایش

قبل از بیان تفصیلی اعتقادات زیدیه در مسائل مختلف اعتقادی مناسب است نگاهی داشته باشیم به تاریخ شکل گیری و طرح مباحث اعتقادی در میان زیدیان.

احمد بن حسن رصاصی (متوفای ۶۲۱ قمری) به عنوان یکی از برجسته ترین شخصیت های زیدیه یمن در قرن هفتم،

مسائل اعتقادی را در سی اصل و در سه باب جداگانه که هر کدام ده مسأله را شامل می شود تقسیم کرده است: باب اول در توحید؛ باب دوم در عدل و باب سوم در وعد و وعید. از آن پس تاکنون این تقسیم بندی مورد توجه و قبول عالمان زیدیه قرار گرفته و به عنوان منشور اعتقادی آنان شناخته شده است. ولی به نظر برخی دیگر از عالمان زیدیه، تقسیم بندی رصاص، بهترین تقسیم ممکن نیست.

علامه عبدالله بن حسن دواری (متوفای ۸۰۰ قمری) و قبل از او احمد بن حسین مانکدیم (متوفای ۴۲۵ قمری) تصریح می کنند که بهترین تقسیم، تقسیم قاضی عبدالجبار معتزلی (متوفای ۴۱۵ قمری) است که برای اولین بار مباحث اعتقادی را دو فصلی قرار داده اولی در توحید و دومی در عدل و در فصل اخیر همه مباحث را غیر از توحیدگرد آورده است [31].

برای بررسی همه جانبه تر این موضوع باید به دوره شکل گیری و تبیین مذهب زیدیه یعنی قرون سوم و چهارم بازگشت و اقوال امامان و عالمان زیدیه را از آن زمان تاکنون بازخوانی کرد:

۱. قاسم رستی فرزند ابراهیم طباطبا (متوفای ۲۴۶ قمری) اولین شخصیت و امام زیدیه است که به تبیین اصول اعتقادی زیدیه می پردازد. وی در رساله الاصول الخمسة از پنج اصل اساسی نام می برد که بنا به تعبیر وی هر کس به این پنج اصلی معتقد نباشد گمراه و نادان است.

چکیده این اصول پنج گانه عبارت است از:

توحید، عدل، صدق وعد و وعید، مرجعیت کتاب و سنت و تفاوت مسائل تجاری و اجتماعی در دو زمان حکومت عدل و حکومت ظلم؛ که می توان آن را به نوعی به اصل امر به معروف و نهی از منکر بازگرداند [32].

البته قاسم رستی در رساله دیگری به تبیین متفاوت و مفصلی تری از اصول اعتقادی دست زده و چنین می گوید:

اصول دین هیجده اصل است:

توحید، عدل، تصدیق وعد و وعید، نبوت، امامت، ولاء، تولد، برائت، نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، نیکی به پدر و مادر، صلح رحم و خواستن آنچه برای خود می پسندی برای دیگران و نپسندیدن آنچه برای خود نمی خواهی برای آنان [33].

این تذکر لازم است که اگرچه قاسم رستی از اصلی امامت به عنوان اصلی مستقل یاد نکرده ولی در خصوص امامت تألیفات مستقل متعددی دارد که عبارتند از: تثبیت الإمامة، الإمامة، إمامة أمير المؤمنين، الرد على الرافضة والرد على الروافض من أهل الغلو [34].

۲. محمد فرزند قاسم رستی (متوفای ۲۸۴ قمری) نیز به عنوان یکی دیگر از شخصیت های زیدیه در قرن سوم، از نه اصل اعتقادی نام می برد:

معرفت خدا، عدل، وعد و وعید، معرفت و ایمان به ملائکه، معرفت پیامبران، معرفت کتابهای آسمانی، امامت و معرفت خوبی ها و بدی ها [35].

می توان گفت محمد بن قاسم با تفصیل بیشتر به همان اصولی اشاره دارد که پیش از آن پدرش قاسم رستی بیان کرده است چرا که او نیز در ابتدا به سه اصلی شناخت خدا، توحید، عدل و وعد و وعید، معاد، اشاره دارد و اصلی چهارم و ششم، معرفت ملائکه و کتاب آسمانی، توضیحی تفصیلی است و اصل هشتم نیز بیانی دیگر از همان اصل امر به معروف و نهی از منکر است. در این میان شاید مهمترین تغییر در آن است که محمد بن قاسم اصل امامت را به عنوان اصلی مستقل مطرح کرده و در کنار دیگر اصول اعتقادی همچون توحید، عدل، نبوت و معاد نشانده است.

۳. هادی الی الحق یحیی بن حسین بن قاسم رستی (متوفای ۲۹۸ قمری)، برادر زاده محمد بن قاسم و نواده قاسم رستی نیز به عنوان یکی از برجسته ترین امامان و شخصیت های زیدیه در قرن سوم و پایه گذار دولت زیدیه در یمن، اصل امامت را به عنوان یکی از اصول اعتقادی مطرح می کند.

مهمترین عبارت های نقل شده از هادی یحیی بن حسین در بیان اصول اساسی اعتقادی عبارتند از:

الف. در کتاب مستقلی با نام المنزلة بین المنزلتين اصول اعتقادی را همچون معتزله چنین ذکر کرده است:

توحید، عدل؛ اثبات وعد و وعید؛ اعتقاد به جایگاه بین دو جایگاه، المنزلة بین المنزلتين؛ و امر به معروف و نهی از منکر [36].

ب. همو در کتاب اصول الدین با جایگزین کردن امامت بجای اصلی، المنزلة بین المنزلتين؛ اصول اعتقادی را چنین برمی شمارد:

توحید، عدل، وعد و وعید، امر به معروف و نهی از منکر و امامت برگزیدگانی از خاندان پیامبر [37].

ج: فرزند ارشد هادی یحیی بن حسین یعنی محمد مرتضی لدین الله (۳۱۰ ق) از پدرش رساله ای را نقل کرده که در آن به اصول اعتقادی می پردازد. در این رساله اصول اعتقادی چنین آمده: توحید، عدل، تصدیق وعد و وعید، نبوت، امامت [38].

همانگونه که ملاحظه می شود در هر سه متن نقل شده از هادی یحیی بن حسین سه اصلی توحید و عدل و وعد و وعید، ثابت است ولی در متن دوم و سوم اصلی امامت جایگزین اصل جایگاه بین دو جایگاه، المنزلة بین المنزلتين؛ شده است. شاید به آن دلیل که هادی یحیی بن حسین در جوانی تحت تأثیر تفکر معتزله بوده و به

دلیل متأثر بودن از مکتب اعتزال در کتاب المنزلة بین المنزلین اصول دین را همچون معتزله آورده ولی بعداً و به ویژه پس از تشکیل حکومت در یمن در سن سی و پنج سالگی و براساس تفکرات شیعی، اصل امامت را بجای اصل «المنزلة بین المنزلتین» نشانده است.[39]

همانگونه که به زودی توضیح خواهیم داد زیدیه تا به امروز همچنان در خصوصی مرتکب کبیره همچون معتزله معتقد به جایگاه بین دو جایگاه اند؛ یعنی مرتکب کبیره را نه مؤمن میدانند و نه کافر. بنابراین حذف این اصل به معنای دست کشیدن زیدیه از اعتقاد به آن نیست بلکه به معنای جایگزینی آن با اصل و اعتقادی مهم تر از آن است. در متن سوم نیز علاوه بر این بجای اصلی امر به معروف و نهی از منکر، اصل نبوت مورد تأکید قرار گرفته است.

۴. مرتضی لدین الله محمد بن یحیی بن حسین (متوفای ۳۱۰ قمری) نیز به عنوان یکی دیگر از برجسته ترین امامان زیدیه و جانشین پدر در زمامداری شیعیان زیدی در یمن، در کتاب مستقلی همین پنج اصلی اخیر را مقدم بر دیگر اعتقادات به عنوان اصول دین مطرح کرده است[40].

۵. احمد بن موسی طبری (متوفای ۳۴۰ قمری) شخصیت دیگر زیدیه در همین دوره است که برای یاری هادی یحیی بن حسین از ایران به یمن رفته و در زمان دولت او و دو فرزندش محمد مرتضی لدین الله و احمد ناصرالدین الله (متوفای ۳۱۵ قمری) از برجسته ترین یاران امامان زیدیه در یمن و عالمی برجسته بوده است. وی نیز در صدر اصول اعتقادی از پنج اصلی توحید، عدل، وعد و وعید، نبوت و امامت نام می برد و از امر به معروف و نهی از منکر تنها در ردیف فروغ دین همچون نماز، روزه، حج و زکات نام می برد[41].

و بدین ترتیب اصول اعتقادی زیدیه در این پنج اصلی خلاصه شده و پس از این دوره که دوران شکل گیری مذهب زیدیه است در طول تاریخ و توسط عالمان زیدیه مطرح و شرح و بسط داده شده است:

هارونی (متوفای ۴۲۴ قمری) در کتاب التبصرة همین پنج اصل به ضمیمه امر به معروف و نهی از منکر را مورد بررسی قرار داده است[42].

۲. و در همین قرن و در اوج نزدیکی زیدیه ایران با مکتب معتزله، امام و شخصیت دیگر زیدیه احمد بن حسین مانکدیم (متوفای ۴۲۵ قمری) به شرح الاصول الخمسة قاضی عبدالجبار معتزلی می پردازد. وی پس از تبیین پنج اصل اعتقادی معتزله در فصلی جداگانه ولی مرتبط با اصلی امر به معروف و نهی از منکر به بحث امامت توجهی ویژه کرده است[43].

۳. در قرن ششم، متوکل علی الله احمد بن سلیمان (متوفای ۵۶۶ قمری) که از امامان بنام و مشهور زیدیه در یمن است در کتاب حقائق المعرفة اعتقادات را که از آن تعبیر به معارف کرده، به ۱۳ معرفت تقسیم کرده که عبارتند از: آفرینش، آفریننده، توحید، عدل، زنعمت، شکر منعم، امتحان، پاداشی، کتاب، پیامبر، امام و اختلاف[44].

۴. در آغاز قرن هفتم امام مشهور زیدیه یمن منصور بالله عبدالله بن حمزه (متوفای ۶۱۴ قمری) در کتاب العقد الشمین، از همان روش تقسیم مباحث به پنج اصل پیش گفته پیروی می کند.[45] ولی در رساله دیگری به نام زبد الادلة مباحث اعتقادی را در قالب سی و دو سؤال و جواب و در سه بخش توحید، عدل و وعد و وعید بررسی می کند که البته در ضمن بحث عدل به بحث نبوت و پس از بحث وعد و وعید به امامت نیز پرداخته است[46].

۵. در همین قرن احمد بن حسن بن محمد رصاص (متوفای ۶۲۱ قمری) یکی از عالمان بنام سده های میانه زیدیه در یمن، دو کتاب در تبیین اعتقادات زیدیه تألیف کرده است. یکی با نام الخلاصة النافعة بالادلة القاطعة فی قواعد التابعة[47] و دیگری مصباح العلوم فی معرفة الحی القیوم مشهور به ثلاثون مسأله[48].

رصاص هر دو تألیف خود را به سه بخش توحید، عدل و وعد و وعید تقسیم کرده است.[49] بخش اول با سه فصل در بیان لزوم نظر و اندیشه هایی که به شناخت خداوند منتهی گردد، آغاز می شود و به دنبال آن در ده مسأله به مباحث توحید و در بخش دوم و سوم نیز در هر یک با ذکر ده مسأله به طرح مباحث عدل و وعد و وعید و در مجموع در سی مسأله به همه مباحث اعتقادی توجه شده است. چکیده‍ای از کتاب مصباح العلوم در پایان این نوشتار به عنوان ضمیمه، ارائه شده است.

ویژگیهای کار رصاص در چند امر است:

اول: ساده کردن مباحث اعتقادی و بیان آن در جملات کوتاه.

دوم: تقسیم جدید مباحث که دیگر بر اساس تقسیم به اصول پنج گانه که متأثر از روش معتزله بود، نیست.

سوم: حذف دو اصل مهم معتزله و درج آن در ضمن مباحث دیگر. یعنی آوردن دو بحث «المنزلة بین المنزلتین» و امر به معروف و نهی از منکر در باب وعد و وعید.

چهارم: آوردن بحث نبوت در ضمن مسائل علل و ذکر امامت در ضمن مسائل وعد و وعید. این در حالی است که پیش از این نبوت و امامت اغلب به عنوان دو اصلی مستقل مطرح می شد.

به عقیده برخی محققان این روش در تقسیم مباحث قبل از رصاصی مرسوم نبوده و از ابتکارات او به حساب می آید. ولی به نظر می رسد روش او به نوعی الگوگیری از روش امام منصور بالله عبدالله بن حمزه در کتاب زبد الأدلة باشد.[50]

همانگونه که در آغاز اشاره شد پس از رصاص، روش او در دو تألیف پیش گفته مورد قبول و توجه خاص زیدیه قرار گرفت و به زودی برای دیگر عالمان زیدیه در قرن هفتم و هشتم به الگو تبدیل شد و عالمان متعددی از زیدیه بر اساس آن دست

به تألیف زدند و یا به نظم و شرح این دو اثر پرداختند.[51]

با توجه به این که سی مسأله مطرح شده به وسیله رصاص به عنوان منشور اعتقادی زیدیه شناخته شده و همچنان مورد قبول آنان است، ما نیز برای معرفی عقاید زیدیه در این نوشتار همین سی مسأله را محور قرار خواهیم داد.

۶. حسین بن بدرالدین (متوفای ۶۶۲ قمری) یکی دیگر از عالمان زیدیه در قرن هفتم است که در کتاب العقد الثمین فی معرفة رب العالمین پنج اصل اعتقادی زیدیه را در قالب سی فصل مورد بررسی قرار داده است که پس از مقایسه آن با کتاب الخلاصة و مصباح العلوم متأثر بودن مؤلف، از احمد بن حسن رصاص کاملاً محتمل به نظر می رسد. کتاب العقد الثمین نیز همانند آن دو کتاب مورد توجه بسیاری از عالمان زیدیه قرار گرفته و شرح های متعددی بر آن نگاشته شده است.[52]

۷. عبدالله بن زید عنسی (متوفای ۶۶۷ قمری) دیگر معاصر احمد بن حسن رصاص و متأثر از روش اوست. وی در کتاب الإرشاد إلى نجات العباد اعتقادات را در ده رکن که شامل سی معرفت می شود، دسته بندی می کند. مجموعه این معارف به توحید، عدل، نبوت، امر به معروف، نهی از منکر، امامت و اثبات وعد و وعید بازمی گردد[53].

پس از این دوره و همانگونه که پیش تر اشاره شد تقریباً اغلب کتاب های عقاید زیدیه با محوریت پنج اصلی توحید، عدل، نبوت، امامت و وعد و وعید و بسیاری با الگو گرفتن از تألیفات عالمان قرن ششم و هفتم در سی مسأله نگاشته شده است.

البته برخی از عالمان زیدیه بنابر سلیقه خود برخی از اصول را در برخی دیگر مندرج کرده ولی از کلیت همان اصول پنج گانه خارج نشده اند. به عنوان نمونه امام برجسته زیدیه مهدی لدین الله احمد بن یحیی مشهور به ابن مرتضی (متوفای ۸۴۰ قمری) در کتاب القلاند فی تصحیح العقائد مباحث اعتقادی را در شش کتاب: توحید، عدل، نبوت، وعد و وعید، تکفیر و تفسیق و امامت بررسی کرده است.[54]

امام برجسته دیگر زیدیه منصور بالله قاسم بن محمد بن علی (متوفای ۱۰۲۹ قمری) نیز در کتاب مشهور و مهم اعتقادی اش الأساس لعقائد الأكياس[55] تقریباً همان راه را رفته و بار دیگر به بحث جایگاه بین دو جایگاه «المنزلة بین المنزلتين» توجه مستقل داشته و مباحث را در شش کتاب تقسیم کرده است که عبارتند از: توحید، عدل، نبوت، امامت، جایگاه بین دو جایگاه «المنزلة بین المنزلتين» و وعد و وعید.[56]

همچنین نواده او یعنی محمد بن حسن بن قاسم (متوفای ۱۰۷۹ قمری) در کتاب سبیل الرشاد مسائل اعتقادی را در چهار بخشی بررسی کرده که عبارت است از: توحید، عدل، وعد و وعید و نبوت.[57]

[1] الملل و انحلال شهرستانی ج 1 ص 251-252

[2] w, Ivanow, Early Shi'ite Movements, Royal Asiatic Society. N.S. vol.17-1941

[3] دایره المعارف اسلام: ماده زیدیه و شیعه: محمد ابو زهره، الامام زیر، طبع مصر 1959، الشیعه فی الاتاریخ ص 52، فجر الاسلام ص 324، الملل و النحل شهرستانی ج 1 ص 249-265، انوار الملکوت فی شرح الیاقوت طبع دانشگاه ص 207 کتاب الانتصار ابن خیاط، طبع مصر 1925 ص 132-138-172

[4] خاندان نوبختی ص 249

[5] ابو الحسن الشعری، مقالات الاسلامیین ص 64-79، مقاتل الطالبین طبع طهران ص 170

[6] تاریخ طبری و ابن اثیر حوادث سال 250 هجری مقالات الاسلامیین ص 83.

[7] خاندان نوبختی ص 255

[8] مفاتیح العلوم ص 21

[9] مفاتیح العلوم ص 21

[10] بیان الادیان ص 157

[11] خط مقربزی ج 4 ص 177

[12] کتاب المقالات و الفرق ص 71

[13] - علامه سید محسن امین، أعیان الشیعة، ج 7، ص 107، دکتر احمد محمود صبحی، الزیدیه، ص 65.

[14] - به کتاب بحوث فی الملل والنحل، ج ۷، ص ۱۰۷ - ۱۱۰ رجوع شود.

[15] - بحوث فی الملل و النحل»، ج 7، ص 119-125.

[16] - ر.ک: بحار الانوار ج ۳۰، ص ۳۲.

[17] - حضرت باقر طبقه سرحوب را به شیطان نابینا که در دریا ساکن است تفسیر کرد. علت مقلب شدن ابوجارود به این اسم، به خاطر آن است که - طبق نقل نوبختی - وی از نظر چشم دل و چشم سر نابینا بود.

[18] -

[19] - فرقی الشیعة، ص ۶۷ - ۷۰.

[20] - مقالات الاسلامیین، ترجمه ی دکتر محسن مؤیدی، صری ۴۱؛ اسفرائینی، التبصیر فی الدین، ص ۲۸.

- [21] - التبصير فی الدین، ص ۲۸؛ ملل و نحلی، ج ۱، ص ۱۵۹ - ۱۶۰؛ ص ۴۱
- [22] - در وجه تسمیه ی او به ابتر دو قول است: یکی اینکه وی بر خلاف دیگر زیدیه که به جهر به بسم الله قبل از قرائت سوره ی فاتحه الكتاب معتقد بودند، او آن را آهسته می گفت، بدین جهت به ابتر ملقب گردید، زیرا ابتر به معنی کار بی برکت است، و چون او بسم الله را (بلند) نمی خواند کارش بی برکت بود؛ دکتر احمد محمود صبحی،
- [23] - الزیدیه، ص ۹۸، وجه دیگر این است که او و یارانش از دشمنان ابوبکر و عمر تبری می‌جستند؛ ZWNJ& می‌جستند، پسر زید بن علی به آنان گفت: آیا شما از فاطمه ی زهرا (س) تبری میجوئید؟ سپس به آنان گفت: لااقلو؛ بترتم امر نابتر کم الله؛ امر ما را قطع کردید، خدا امر شما را قطع کند. (رجال کشی، ص ۲۳۶، شمارهی ۴۲۹)؛ بحارالانوار: ج ۳، ص ۳۱
- [24] - شهرستانی، ملل و نحلی، ج ۱، ص ۱۶۱. ۲ - تلخیص الشافی، ج ۲، ص ۵۶-۵۷.
- [25] - دکتر احمد محمود صبحی، الزیدیه، ص ۱۰۱.
- [26] - علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۲۱ (پاورقی).
- [27] - بغدادی، الفرق بین الفرقی، ص ۳۴.
- [28] - الزیدیه، ص ۱۰۶.
- [29] - التهذیب، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲ - ۳.
- [30] - برای آگاهی بیشتر درباره ی شرح حال و آثار علمی دانشمندان فوق به کتاب: بحوث فی الملل والنحل، ج بخش دوم، فصل رجوع شود.
- [31] - شرح الاصول الخمسة، ص ۱۲۳؛ احمد بن یحیی ابن حابس، الايضاح شرح المصباح، ص ۵۶. لازم به یادآوری است که این تقسیم مربوط به کتاب المغنی می شود وگرنه قاضی عبدالجبار در کتاب الاصول الخمسة مباحث را در ضمن پنج اصل اعتقادی معتزله یعنی توحید، عدل، منزلت بین دو منزلت، وعد و وعید و امر به معروف و نهی از منکر آورده است و در کتاب مختصر الحسنی از چهار اصل نام می برد: توحید، عدل، نبوت و شرایع. ر.ک: احمد بن حسین مانکدیم، شرح الاصول الخمسة، صص ۱۲۳-۱۲۴.
- [32] - الاصول الخمسة، منتشر شده در مجموع کتب و رسائل الامام القاسم الرشی، ج ۱، صص ۶۴۷-۶۴۸.
- [33] - اصول الدین، منتشر شده در مجموع کتب و رسائل الامام القاسم الرستی، ج ۱، ص ۶۵۳.
- [34] - علاوه بر انتشار مستقل برخی از این عناوین همه این مجموعه تألیفات، به همراه دیگر تألیفات قاسم رستی در کتابی با نام مجموع کتب و رسائل الامام القاسم الرستی، منتشر شده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ترات الزیدیه.
- [35] - الأصول الثمانية، صص ۲۲-۷۸، همین کتاب بانام الأصول التسعة در مجموع کتب و رسائل الإمام محمد بن القاسم، صص ۷۵-۱۲۳.
- [36] - ر.ک: هادی الی الحق یحیی بن حسین، المنزلة بین المنزلین؛ مجموع رسائل الامام الهادی، صص ۱۵۲-۱۷۹.
- [37] - اصول الدین، ص ۶۲؛ مجموع رسائل الامام الهادی، ص ۱۹۱.
- [38] - کتاب فی معرفة الله، در مجموع رسائل الامام الهادی، صص ۴۹-۶۴.
- [39] - علی محمد زید، معتزلة الیمن دولة الهادی و فکرة، ص ۱۵۸.
- [40] - کتاب الاصول، صص ۲۹-۴۵؛ مجموع کتب و رسائل الامام المرتضیالدين الله، ج ۲، صص ۷۰۵-۷۲۶.
- [41] - المنیر، صص ۹۸-۹۹.
- [42] - التبصرة فی التوحید و العدل، صص ۳۲-۹۲.
- [43] - ر.ک: شرح الاصول الخمسة، صص ۷۴۹-۷۶۶.
- [44] - متوکل علی الله احمد بن سلیمان، حقائق المعرفة، ص ۵۵.
- [45] - منصور بالله عبدالله بن حمزه، العقد اللمین فی احکام الائمة الهادین، ص ۴۲.
- [46] - منصور بالله عبدالله بن حمزه، زید الأدلة فی معرفة الله، منتشر شده در المجموع المنصوری، ج ۱، صص ۵۵۳ - ۵۶۰.
- [47] - دکتر علی محمد زید در کتاب تيارات معتزلة الیمن فی القرن السادس الهجری، ص ۳۱۰، به اشتباه این متکلم زیدیه در قرون میانه، نسبت داده و از آن به عنوان التابعة فی الادلة القاطعة یاد کرده است! مقایسه کنید با مؤلفات الزیدیه، ج ۱، ص ۴۴۴ و اعلام المؤلفین الزیدیه، ص ۹۲ و ص ۳۷۹.
- [48] - کتاب مصباح العلوم تاکنون بارها به صورت مستقل و به همراه برخی از شرح هایش منتشر شده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ترات الزیدیه.
- [49] - بر اساس گزارش سید احمد حسینی در مؤلفات الزیدیه، کتاب الخلاصة النافعة چهار باب دارد؛ باب اول در ور- جوراب اندیشه و مسائل مرتبط با آن است. ببینید: مؤلفات الزیدیه، ج ۱، ص ۴۴۴. متأسفانه دسترسی به اصل کتاب الخلاصة که تاکنون مخطوط باقی مانده، میسر نشد.
- [50] - مقایسه کنید: دکتر علی محمد زید، تيارات معتزلة الیمن، ص ۳۱۳
- [51] - برخی از این تألیفات عبارتند از:
- الاصباح علی المصباح، تألیف امام ابراهیم بن محمد مؤیدی (متوفای ۱۰۸۳ قمری). چاپ شده. الدر المنظوم فی شرح مصباح العلوم، تألیف ابراهیم بن یحیی سحولی (متوفای ۱۰۶۰ قمری). خطی. الايضاح علی المصباح، تألیف احمد بن

یحیی ابن حابس (متوفای ۱۰۶۱ قمری). چاپ شده. شرح الثلاثین المسألة، تألیف احمد بن محمد ابن مظفر (قرن نهم). خطی، و.... برای اطلاع بیشتر، ر.ک: عبدالسلام بن عباس الوجیه، اعلام المؤلفین الزیدیه و سید علی موسوی نژاد، تراث الزیدیه.

[52] - به عنوان نمونه محمد بن یحیی بن مداعس (متوفای ۱۳۵۱ قمری) شرح مفصلی بر العقد الثمین دارد با نام الکاشف الامین عن جواهر العقد اللمین که نسخه ای از آن در اختیار نگارنده است.

[53] - عبدالله بن زید عنسی، الارشاد الی نجاه العباد، ص ۱۸۴.

[54] - ببینید: الفلاند فی تصحیح العقائد، صص ۸۱ - ۱۵۲؛ مقدمه البحر از خار، صص ۵۲ - ۹۸.

[55] - این کتاب تاکنون دوبار منتشر شده و بر آن شرح‌های متعددی نوشته شده است که مهمترین آنها دو شرح احمد بن محمد شرفی (متوفای ۱۰۵۵ قمری) است که با نام‌های عدة الأكياس و شفاء صدور الناس منتشر شده‌اند. برای اطلاع بیشتر ر.ک. تراث الزیدیه.

[56] - الأساس لعقائد الأكياس، صص 34-182

[57] - سبیل الرشاد إلی معرفة رب العباد، صص 20-71.

حبیب طاهری

کارشناس پژوهش های کاربردی

اداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی